انعکاس راه‌های ثبوتی در روایات، و عدم تعارض بین ادله رؤیت هلال

- نقد قول مشهور و وحید بهبهانی در نفی رؤیت قبل از زوال

نقد قول مشهور و وحید بهبهانی در نفی رؤیت قبل از زوال

آن چه را که ما می‌دانیم این است که شارع این راه متعارف را امضاء کرده است. در این هیچ شکی ندارید. می‌خواهم بزنگاه فرمایش وحید را عرض کنم؛ چون شارع این اخبار متواتره را امضاء فرموده... البته روی این مبنا که امضای استصحابی نباشد؛ اصلاً از مصادیق استصحاب نباشد و الا مفصل صحبت شد که این یکی از صغریات استصحاب است. نه اینکه جدا از آن باشد. حال فرض می‌گیریم که این خودش ربطی به استصحاب ندارد؛ «صم للرؤیه و افطر للرؤیه» که به فرمایش ایشان رؤیت متعارف است، همه اینها را فرض می‌گیریم که باشد.

حال سؤال این است: وقتی شارع رؤیت متعارف این چنینی را به‌خاطر سهولت امر برای عرف قرار داده، یعنی غیر این راه را نفی کرده؟! شما می‌گویید چون اخبار متواتره آمده، پس روایات رؤیت قبل از زوال هیچ. اگر شارع با این رؤیت متعارفه، این را تأیید کرده و امضاء کرده، نمی‌توانیم به او نسبت بدهیم که ما عدای آن را نفی کرده است. این نسبت اضافه است. آن چه که شما می‌توانید نسبت بدهید این است که بگویید شارع این را قبول دارد. شارع غیر از این را قبول ندارد! خُب اگر خودش می‌فرمود که قبول ندارم، درست است. اما وقتی روایت رؤیت قبل از زوال می‌گوید: من ـ شارع غیر از این را هم قبول دارم. این معارضه می‌شود؟! معارضه نمی‌شود. فرموده آن را به آن نحو قبول دارم. خُب در روایت رؤیت هلال قبل از زوال می‌گوید راه دیگری هم هست؛ به‌عنوان یک گزینه ای است که قبول دارم. کجای این معارضه است که حجتی برای مشهور باشد علیه این قول؟!